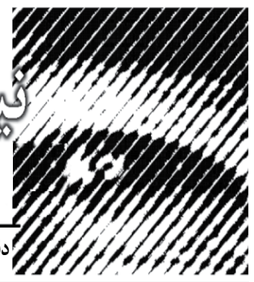

۲۱

نیمهٔ پنهان

۳۲۰۸

دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان

فرانکلین، انجمن ایران و آمریکا و دیگران

از کنسرسیوم نفتی به فرانکلین

از عوامل دیگر موسسه فرانکلین، «نجف دریابندری» بود که مدت ۱۷ سال با این موسسه همکاری داشت. او که در نوجوانی نزد انگلیسی‌ها در تاسیسات نفتی آبادان کار می‌کرد و به اصطلاح انگلیسی یاد می‌گرفت! در همان سالها به ترجمه کتاب دست زد و نخستین اثر ترجمه‌ای اش، «وداع با اسلحه» نوشته «ارنست همینگوی»۲۰۴ بود. او پس از کودتای ۲۸ مرداد و در سال ۱۳۳۳ به زندان افتاد و در سال ۱۳۳۷ مورد عفو ملوکانه قرار گرفت و آزاد شد و در همین سال در سازمان گلستان فیلم که توسط کنسرسیوم نفتی ایجاد شده بود به کار مشغول شد. خودش در این باره می‌گوید:

... مقداری گفتار فیلم‌های مستند مربوط به صنعت نفت ترجمه کردم، از جمله گفتار فیلمی به اسم مبارزه با آتش در اهواز که در استودیوی «ابوالقاسم رضایی» ساخته شده بود و کارگردانش یک نفر انگلیسی بود به نام «جان شرمن».

از عوامل دیگر موسسه فرانکلین، «نجف دریابندری» بود که مدت ۱۷ سال با این موسسه همکاری داشت.

گفتار این فیلم را من و «گلستان» به فارسی درآوردیم. یکی دوبار هم با دسته فیلمبرداری به عنوان دستیار کارگردان به مناطق نفت خیز و جزیره خارک رفتم ...

سپس در موسسه فرانکلین استخدام شد و به سردبیری آن رسید.

خودش درباره پیوستن به موسسه فرانکلین در گفت و گویی می‌گوید:

... این داستان طولانی دارد. اما خلاصه این است که بعد از رفتن «انور»، من جانشین ایشان شدم. کار اصلی بنده انتخاب کتاب برای ترجمه و نامه نوشتن به نیویورک برای گرفتن حقوق کتاب‌ها بود...

پس از ۱۷ سال و در سال ۱۳۵۴ با محدود شدن فعالیت‌های موسسه فرانکلین و برنامه انحلال و تغییر نامش به سازمان آموزشی نومرز، «دریابندری» به تلویزیون شاهنشاهی رفت و در آنجا وظیفه ترجمه متون انگلیسی فیلم‌های آمریکایی را برعهده گرفت. تا سال ۱۳۵۷ که با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل همکاری مستمر با رژیم طاغوت و عناصر و عوامل آمریکایی، توسط نیروهای انقلابی از این رسانه تصفیه شد.

در اوایل پیروزی انقلاب به همراه ضد انقلابیون وابسته‌ای مانند «باقر پرهام» و «منوچهر هزارخانی» و «شکرالله پاک نژاد» و «غلامحسین ساعدی» در زمره اعضای شورای نویسندگان روزنامه آزادی وابسته به جبهه به اصطلاح دموکراتیک ملی ایران به سرکردگی «هدایت الله متین دفتری» بود که پس از فرار از کشور، جریاناتی از ضد انقلاب را هدایت کرد و بعدا به منافقین پیوست. مدتی از ایران فراری بود و حتی در نشریات ضد انقلابی خارج کشور مانند ایران نامه (وابسته به بنیاد اشرف پهلوی) مقاله نوشت.

*** در یکی از گزارش‌های ساواک درباره موسسه فرانکلین و شعبه آن در تبریز آمده است: ... از چندی پیش موسسه فرانکلین در تبریز ظاهرا به عنوان نگارش و نشر کتاب و باطنا برای پیش بردن مقاصد خاصی که مورد علاقه فراماسونها می‌باشد، دست به جمع آوری و همکاری اشخاصی خاص زده.**

«مجید روشنگر» که زمانی مدیریت سازمان کتاب‌های جیبی را برعهده گرفت در گفت و گویی با «مهرنامه» درباره دیگر همکاران موسسه فرانکلین می‌گوید:

... «منوچهر انور» نخستین رئیس بخش ویرایش کتاب‌های موسسه انتشارات فرانکلین بود. تازه از انگلستان بازگشته بود و در قلمرو تئاتر درس خوانده بود و یکی از شکسپیرشناسان آن زمان بود و چه نثر پاکیزه‌ای در قلمرو زبان فارسی داشت. من خود شاهد بودم که «منوچهر انور» با چه دقت و وسواسی کتاب‌ها را ویرایش می‌کرد- به ویژه سلسله کتاب‌هایی که در رشته علوم و تاریخ برای نوجوانان ترجمه می‌شد- با وسواس بی‌نظیر او ویرایش می‌شد و به زیر چاپ می‌رفت: مجموعه‌هایی چون «گردونه تاریخ» یا مجموعه کتاب‌های علمی «پارکر» که تماما توسط شادروان «علی‌محمد عامری» ترجمه شد- و چنین اتفاق افتاد که ایشان بیمار شدند و یک کتاب از آن مجموعه را من ترجمه کردم که با نام «ابر و باران و برف» توسط انتشارات ابن‌سینا (به مدیریت شادروان «ابراهیم رمضانی») چاپ شد و من هنوز که هنوز است آن ترجمه را مدیون ویرایش «منوچهر انور» می‌دانم که با وسواس خودم آن را به پاکیزه‌ترین وجهی برای چاپ آماده ساخت و من در آن سال‌های جوانی- احساس غرور می‌کردم که نام من در کنار مترجم ارجمندی چون «علی‌محمد عامری» قرار گرفته است... در دوره نخستین کارهای موسسه انتشارات فرانکلین، «منوچهر انور» ریاست بخش ویراستاری موسسه را به عهده داشت و دکتر «فتح‌الله مجتبایی» و «نجف دریابندری» و شادروان «جهانگیر افکاری» و شادروان «علی اصغر مهاجر» اعضای تمام‌وقت بخش ویراستاری کتاب‌ها بودند.

«منوچهر انور»نخستین رئیس بخش ویرایش کتاب‌های موسسه انتشارات فرانکلین بود.

«منوچهر انور» کارمند BBC بود که «صنعتی زاده» به سراغش رفت و از وی برای کار در فرانکلین دعوت کرد. از این روی می‌توان گفت مکان‌هایی که «صنعتی زاده» برای یافتن همکاران فرانکلین می‌رفت نیز با ماموریت استعماری آن همخوان بود. یکی از آنها بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (BBC) که وابسته به کانون‌های صهیونی و سرویس‌های اطلاعاتی غرب بود که «صنعتی زاده» را به خود جلب کرد. خود «منوچهر انور» در مراسمی که تحت عنوان «شب دریابندری» در تجلیل و بزرگداشت «نجف دریابندری» در سوم اردیبهشت ۱۳۹۳ توسط مجله «بخارا» با حضور تعدادی از دوستان و هم پالگی‌های «دریابندری» برگزار شد، در این باره می‌گوید:

... در سال ۱۳۳۱، بعد از پایان تحصیلم در آکادمی هنرهای دراماتیک لندن، با او (همایون صنعتی زاده)، در یکی از مهمانی‌های دوره‌ایش در تهران، آشنا شده بودم. سال بعد که به لندن برگشتم و در بی‌بی سی استخدام شدم، روزی تلفن دفتری که در آن بودم زنگ زد و «صنعتی» پشت خط بود و مرا به ناهاری در یک هتل پنج شش ستاره دعوت کرد و بیش از صد لی‌لی به لالای من گذاشت. سال بعد، دوباره همین‌طور! ضمناً کتابی انداخت جلوی من که «بله، ما در تهران داریم ازین کارها می‌کنیم.» کتاب، کتاب یک‌جلدی «هنر ایران» تألیف «آرتور اپهام پوپ» بود که «مرزبان» آن را به فارسی ترجمه کرده بود... یک سال بعد باز «همایون صنعتی» آمد و ما را برد به همان هتل کذائی و باز یک ناهار خیلی اعلایی به ما داد... گفت: «بیا پیش ما. می‌دهم یک میز بلند بسازند مخصوص تو! روی آن هم تا طاق کتاب می‌چینیم و تو بگیر بشین کتاب بخوان و به ما بگو چه کتاب‌هایی چاپ کنیم. گزارش بنویس، تحلیل بکن. من به عنوان رئیس این مؤسسه امکان و توان این را ندارم که بنشینم و کتاب‌ها را تمام و کمال بخوانم؛ کسی را لازم دارم که بنشیند و روزانه این کار را بکند» ...

اما اینکه چه کسی «منوچهر انور» را به «صنعتی زاده» معرفی کرد، خودش در همان مراسم شب «نجف دریابندری» به اسم «نادر نادرپور»عضو فعال کلوپ‌های روتاری (تشکیلات اقتصادی سازمان‌های فراماسونری) و از وابستگان دربار و ساواک اشاره می‌کند:

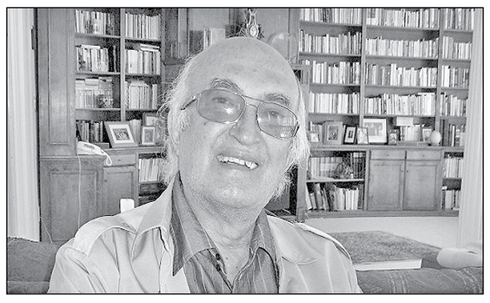

«مجید روشنگر» که زمانی مدیریت سازمان کتاب‌های جیبی را برعهده گرفت.

... رفتم سراغ کسی که در اصل مرا به صنعتی معرفی کرده بود: نادر نادرپور...

«منوچهر انور» درباره حضور امثال «دریابندری» در فرانکلین گفت:

*** «منوچهر انور» کارمند BBC بود که «صنعتی زاده» به سراغش رفت و از وی برای کار در فرانکلین دعوت کرد.**

... زمانی که من پیشنهاد «همایون صنعتی‌زاده» را پذیرفتم و به انتشارات فرانکلین رفتم، نخست کارم کتابخوانی و تهیه گزارش برای کتاب‌ها بود اما بعد از آن طبق خواسته صنعتی‌زاده به ویراستاری که در آن موقع کاری نو در ایران بود پرداختم، طولی نکشید که فهمیدم کاری نیست که بتوان به تنهایی و یک تنه انجام داد و به «صنعتی‌زاده» گفتم که باید کسان دیگری را به این مجموعه آورد و او نیز بلافاصله پذیرفت و به این ترتیب بود که نخست دکتر «فتح‌الله مجتبایی» آمد و پس از آن به دنبال معرفی دکتر «عبدالرحیم احمدی» با «نجف دریابندری» آشنا شدم و همین آشنایی سنگ‌بنایی شد که نجف به فرانکلین بیاید و همکاری با این موسسه را به‌عنوان ویراستار آغاز کند...

فرانکلین، ساواک، فراماسونری

وابستگی موسسه فرانکلین به تشکیلات فراماسونری از آن نقاط روشن و بدون تردید این موسسه است که حتی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی را نیز وادار به اعتراف کرده بود. در یکی از گزارش‌های ساواک به تاریخ ۶ مهرماه ۱۳۴۶ درباره موسسه فرانکلین و شعبه آن در تبریز آمده است:

... از چندی پیش موسسه فرانکلین در تبریز ظاهرا به عنوان نگارش و نشر کتاب و باطنا برای پیش بردن مقاصد خاصی که مورد علاقه فراماسونها می‌باشد، دست به جمع آوری و همکاری اشخاصی خاص زده و در صدد تهیه کتاب‌های جدیدی است که از طرف این موسسه انتشار خواهد یافت... آقای «عبدالعلی کارنگ» ... از افرادی است که سعی می‌کند با همه روابط خوبی داشته باشد و از افرادی است که مورد علاقه و نظر خاص اقای «تقی زاده» و چند نفر فراماسونری سالخورده دیگر باید دانست...

۶

رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک

فریب‌کاری در قوانین مالیاتی و دفترسازی

سوءاستفاده‌های شخصی و فعالیت‌های غیرسالم اقتصادی، از دیگر بخش‌های فعالیت‌های شرکت امناء به ریاست حبیب ثابت است که در جریان اختلافات تشکیلاتی فردی به نام «یدالله ثابت راسخ» با آنان، به شرح زیر افشاء شده است:

«جناب شوقی ربانی در تاریخ ۳۶/۸/۱۲ بدون اولاد و پدر و مادری که در قید حیات باشند، در لندن به شهادت می‌رسد و ذکرالله خادم نه و دکتر علی‌محمد ورقا و تیمسار بازنشسته شعاع‌الله علائی و علی اکبر فروتن و حبیب‌اله ثابت و هادی رحمانی شیرازی و هیئت مدیره شرکت سهامی امناء و دکتر مهدوی سردفتر ۲۵ تهران و ممیزین و کارمندان ثبت اسناد و املاک و دارایی که مشخصات آنان در پرونده‌های مربوطه مشخص و معین است، به شرکت و وکالت منوچهر قائم مقامی وکیل دادگستری جهت حیف و میل نمودن ماترک متوفی به تنظیم صلحنامه‌های ۴۷۳۰۸ - ۳۶/۱۰/۲۰ و ۴۷۴۳۴ - ۳۶/۱۱/۱۶ و ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ در دفترخانه ۲۵ تهران پرداخته و قبل از انجام انحصار وراثت و تعیین وراث قانونی و همچنین تعیین سهم الارث هر یک از وراث و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح، برخلاف موازین مواد ۳۲ و ۴۰ آیین دفاتر اسناد رسمی، مزورانه به دکتر علی‌محمد ورقا مصالحه می‌نمایند و دکتر علی‌محمد ورقا نیز بدون انجام حصر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح وراث و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح و پرداخت مالیات بر درآمد صلح، به شرکت سهامی امناء که خودشان در تاریخ ۳۷/۲/۱ تشکیل می‌دهند، تحت شماره ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ دفترخانه ۲۵ تهران مصالحه می‌نماید و شرکت سهامی امناء بدون ذکری از املاک و اراضی و اماکن در اساسنامه خود، سرمایه ۲۸۷ میلیون دلار را طبق اساسنامه مربوطه به سه میلیون تومان نقدی معرفی می‌کند.»

*** فریب‌کاری در قوانین مالیاتی و دفترسازی، از دیگر اقدامات حبیب ثابت در جریان فعالیت‌های اقتصادی است**

نوع دیگری از این سوءاستفاده‌ها؛ نامه‌ای است که حبیب ثابت در آن به جریان خرید و فروش زمین‌های «خرگوش دره» و اختلافی که بین او و «شرکت نونهالان» وجود داشته، اشاره نموده است:

«درست به یاد دارم که موقعی که زمین خرگوش دره را برای جلب عایداتی بیشتر به نونهالان توصیه خرید کردم و از قرار متری ۱۵۰ ریال بود، کراراً به نونهالان توصیه کردم که اگر زمین را که در حدود ۲۵۰ هزار متر است، به خودشان انتقال بدهند، موقع فروش، مشمول پرداخت مالیات سنگین می‌گردد و بهتر است که به اسم ایرامز بماند و هر وقت فروختند، وجه آن را به نونهالان بپردازند.

نونهالان با اطلاع کامل از این موضوع، اصرار کرد که زمین سهمی خودشان را به خودشان انتقال بدهند و در موقع فروش، مالیات آن را خواهند پرداخت و صلاح شرکت در این است که ۲۵۰ هزار متر به خودشان انتقال داده شود. من موافقت کردم و شرکت نونهالان بهترین قطعات جلوی خیابان آسفالته را به خودشان انتقال دادند. موقعی که خریدار برای تمام پانصد هزار متر از قرار متری یکهزار ریال پیدا شد، من موافقت نکردم و گفتم نونهالان گرچه بهترین قسمت زمین را برداشت، خودشان آن را بفروشند و تفاوتی به ایرامز بدهند؛ زیرا بدیهی است که جلوی خیابان آسفالته با عقب آن خیلی تفاوت دارد، در صورتی که حق این بود که نونهالان از دو قسمت جلوی خیابان لااقل یکی را به ایرامز بدهد و یکی را خودش نگاه دارد... هرچه سعی کردم خودم چیزی بفهمم که قانونی و درست و بی‌دردسر باشد، به نتیجه نرسیدم؛ این است که خیلی متشکر می‌شوم که مرا روشن کنید. زیرا مردمانی دور[و]ور این معامله هستند که انسان از ته قلب آنها خبر ندارد و به راحتی می‌توانند اسباب اشکال فراهم سازند؛ بخصوص که در این معامله شرکت ایرامز کوچکترین نفع مادی هم نداشته که باید خودش را نگران آتیه نماید.

از طرف دیگر درست است که نونهالان در خرگوش دره دیگر زمینی ندارد، ولی باید توجه کامل داشت که فروش یک قطعه زمین به این بزرگی، بخصوص زمینی که در ورقه مالکیت آن سال‌ها قبل از تصویب قانون ۴۵ یا ۴۶ بوده به قیمت منطقه لطمه بزرگی به معاملات آینده شرکت ایرامز در این زمین وارد خواهد کرد.

چون جواب سؤالات بالا را ندارم و هرگز من چنین کاری را نمی‌کردم و انتظار آن را هم نداشتم که برای دادن مبلغی منافع بیشتر به سهامداران و نونهالان چنین طرز عملی انتخاب شود.

مطلب، مطلبی نیست که بشود با همه کس در میان گذاشت، لذا استدعا دارم که هر طور صلاح می‌دانید، با مشورت کامل هیئت مدیره جواب واضح و روشنی مرقوم دارید که من هم از جریان مطلع باشم و یا راه‌حلی پیش از اینکه دیر شود، پیدا کرد.

نونهالان قرار بود که نامه مشروح و کامل به شرکت ایرامز بنویسد که تعهد هر نوع خسارت مستقیم یا غیرمستقیم که در اثر این معامله به شرکت وارد شود بنماید و بپردازد. به انتظار وصول جواب و تشکر قبلی

***سوءاستفاده‌های شخصی و فعالیت‌های غیرسالم اقتصادی، از دیگر بخش‌های فعالیت‌های شرکت امناء به ریاست حبیب ثابت است که در جریان اختلافات تشکیلاتی فردی به نام «یدالله ثابت راسخ» با آنان، افشاء شده است.**

فریب‌کاری در قوانین مالیاتی و دفترسازی، از دیگر اقدامات حبیب ثابت در جریان فعالیت‌های اقتصادی است:

«غضنفری رئیس‌سابق حسابداری شرکت زمزم، که بعداً نیز به سمت مدیر کارخانه اسوکولا تعیین گردید و چندی قبل به علت کهولت سن از کارخانه اخراجش نمودند، اظهار داشته که با نظر ایرج ثابت، کارفرمای شرکت مورد بحث، تاکنون مبلغی در حدود صد میلیون تومان بابت مالیاتی که قرار بود به وزارت دارایی پرداخت شود، با تنظیم دفاتر دروغی سوء استفاده نموده و حتی مراتب را کتباً به اطلاع مقامات وزارت دارایی رسانیده، ولیکن پس از مدتی نامه وی مستقیماً به دست ایرج ثابت رسیده و مشارالیه نیز برای اینکه سر و صدای غضنفری را بخواباند، مجدداً وی را استخدام و درحال حاضر نیز در شرکت سهامی زمزم مشغول کار می‌باشد.»

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

برگ سبز خودرو سواری پراید دی‌ام (هاچ بک) انژکتوری به شماره پلاک ۲۳۱ م ۸۷- ایران ۱۴ به رنگ مشکی- روغنی مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۲۹۱۹۱۸۷ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۸۲۰۶۷۱۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) خودرو سواری پژو ۴۰۵ تیپ ۴۰۵GLXXU۷ به شماره پلاک ۱۲۶ ج۸۳-ایران۱۴ به رنگ خاکستری متال مدل ۱۳۹۵ و شماره‌موتور ۱۲۴K۰۷۹۸۲۱۳ و شماره شاسی NAAM۰۱CE۰GK۴۰۲۳۵۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی افراز:

برابر شرح وارده به شماره ۱۶۴۲۰۸۹۱ مورخ ۹۴/۱۲/۵ آقای مهدی فیروزی هنرمند فرزند نورالدین از این اداره درخواست افراز سهمی خودش را به مساحت تقریبی ۳۸۷۷/۳۰ مترمربع واقع در اسدآباد روستای حسن‌آباد پلاک ۱۰۶ موضوع اسناد شماره ۲۸۲۷۹۸ مورخ ۹۵/۵/۳ و ۲۸۴۴۰۴- ۹۵/۱۲/۱۵ دفتر ۵ همدان خریداری از وراث مرحوم نورالدین فیروزی را نموده است، که آدرس اکثر مالکین مشاعی و مجاورین را نیز اعلام نموده است. لذا اینک به استناد ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی از کلیه صاحبان حقیقی و حقوقی و مالکین مشاعی و مجاورین دعوت می‌شود راس ساعت ۱۱ صبح وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۲/۱۳ در محل وقوع ملک حاضر تا از مورد درخواست توسط نماینده و نقشه‌بردار اعزامی ثبت اسناد و املاک اسدآباد بازدید بعمل آید. ضمنا حضور یا عدم حضور مالکین مشاعی و صاحبان حق مانع از انجام عملیات افرازی نمی‌شود. شایان ذکر است: چنانچه نیاز به انتشار آگهی مجدد باشد در همین روزنامه چاپ و مدت آن نیز ده روز می‌باشد.

م الف ۱۳۲۰ **کامران متقی رئیس ثبت اسدآباد**

«آگهی مناقصه عمومی»

شهرداری بهشهر در نظر دارد جهت خرید و نصب و راه‌اندازی ادوات تکمیلی کارخانه کمپوست (کیسه‌پاره‌کن ۲۵۰ تن در هر شیفت کاری ۱ دستگاه - دستگاه پرس زباله ریجکتی ۱۰۰ تن در هر شیفت کاری ۱ دستگاه از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای از طریق شرکت‌های دارای مجوز با شرایط زیر واگذار نماید:

الف) نحوه تنظیم اسناد مناقصه:

برگه استعلام بها و اسناد مناقصه و مدارک شرکت شامل (آخرین تغییرات، آگهی روزنامه، شناسه ملی، کداقتصادی) تماما به مهر و امضاء مدیران شرکت رسیده باشد در پاکت (الف).

برگه پیشنهاد قیمت در پاکت (ب) ارائه و ارسال گردد.

ب) محل تحویل پیشنهادها: مازندران - بهشهر - پارک ملت - شهرداری بهشهر - دبیرخانه شهرداری.

ج) محل گشایش پیشنهادها: شهرداری بهشهر.

*** حضور شرکت‌کنندگان با معرفی‌نامه معتبر در هنگام بازگشایی پاکت‌های قیمت (ج) بلامانع می‌باشد.**

* تاریخ دریافت اسناد مناقصه در ساعت اداری از ۱۳۹۶/۲/۱۶ الی ۱۳۹۶/۲/۱۹ می‌باشد.

جهت دریافت حضوری اسناد مناقصه، همراه داشتن معرفی‌نامه و مهر شرکت الزامی می‌باشد.

* مهلت قبول پیشنهادها تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه ۱۳۹۶/۲/۲۰ ساعت ۱۴:۱۵ می‌باشد.

* تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه ۸:۰۰ صبح روز پنجشنبه ۱۳۹۶/۲/۲۱ می‌باشد.

* به پیشنهادها و قیمت‌های مشروط، مبهم و مخدوش و بدون آنالیز قیمت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

* شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

* هزینه چاپ آگهی به عهده شرکت یا فرد برنده می‌باشد.

حمید آزموده
شهردار بهشهر

نظر به اینکه آقای امیر مولودپور به جهت مطالبه نفقه در پرونده ۹۵۰۶۲۷ مطروحه از طرف خانم سکینه محمدباقری هفت چشمه به وکالت آقای اطمینان خوانده دعوی واقع شده و ابلاغ نظریه کارشناسی نفقه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت امیر مولودپور ممکن نگردیده است لذا بدین وسیله در اجرای ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب به نامبرده ابلاغ می‌شود تا چنانکه نسبت به نظریه کارشناسی اصداری در خصوص نفقه اعتراضی دارند ظرف یک هفته از تاریخ انتشار آگهی در شورای حل اختلاف حوزه سوم دادگستری آذرشهر حاضر شوند. بدیهی است در صورت عدم حضور و عدم اعتراض نسبت به نظریه مذکور ظرف فرجه قانونی هفت روزه پس از ابلاغ از تاریخ نشر آگهی اقدام قانونی به عمل خواهد آمد.

رئیس شورای حل اختلاف حوزه سوم دادگستری آذرشهر- حسن باقری

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان کریم رشیدی‌کیا دادخواستی به طرفیت خوانده مجید رهسپار به خواسته مطالبه وجه تقدیم دادگاه نموده که به کلاسه ۹۵۰۳۰۵ ثبت این شعبه و برای مورخ ۹۶/۳/۱۶ ساعت ۹ صبح وقت رسیدگی تعیین شده است لذا چون خوانده مجهول‌المکان می‌باشد به دستور ریاست محترم دادگاه و به استناد به ماده ۷۳ قانون آ.د.م. دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ مراتب در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا خوانده ضمن اطلاع از وقت رسیدگی جهت اعلام آدرس کامل خود و تحویل گرفتن رونوشت دادخواست و ضمائم به دفتر شعبه دوم حقوقی دادگاه اندیمشک مراجعه و الا دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

منشی شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان اندیمشک - صدیقه محمدیان‌پور

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم سیما عظیم‌پور دارای شناسنامه شماره ۸۵۳۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۰/۳/۹۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان جمشید عظیم‌پور بشناسنامه شماره ۱۳۸۶ در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته، ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- نیمتاج باقری- فرزند: جواد شماره شناسنامه ۲۵۷- تاریخ تولد ۱۳۲۵/۶/۱- نسبت با متوفی: همسر متوفی

۲- پروانه عظیم‌پور- فرزند جمشید- شماره شناسنامه ۲۲۸۲- تاریخ تولد ۱۳۴۵/۵/۱۵ نسبت با متوفی: دختر متوفی

۳- رویا عظیم‌پور- فرزند جمشید- شماره شناسنامه ۲۳۳۳- تاریخ تولد ۱۳۴۸/۲/۱۲- نسبت با متوفی: دختر متوفی

۴- سیما عظیم‌پور- فرزند جمشید- شماره شناسنامه ۸۵۳۱- تاریخ تولد ۱۳۵۰/۱/۱۵- نسبت با متوفی: دختر متوفی

۵- افسانه عظیم‌پور- فرزند جمشید- شماره شناسنامه ۶۱۴- تاریخ تولد ۱۳۴۴/۱/۱۴- نسبت با متوفی: دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

م الف۵۳۲۸۸ **رئیس شعبه ۳ شورای حل اختلاف کرج**

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۵۰۹۹۷۶۱۱۰۹۰۱۱۲۵
شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۲۹۲

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۶۱۱۰۹۰۰۲۷۸ شعبه ۶ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز تصمیم نهایی شماره

خواهان: آقای پیمان مکوندی فرزند الداد با وکالت آقای حسین شجاع رضوی فرزند علی‌اکبر به نشانی خوزستان- اهواز- اهواز- خ آزادگان- ۲۴ متری، نبش خ شریف‌زاده- بالای بانک رفاه ساختمان رستگار- ط۱- واحد۵۱.

خوانده: آقای علی باورصاد به نشانی مجهول‌المکان

خواسته: مطالبه وجه بابت...

رأی دادگاه

درخصوص دعوی آقای پیمان مکوندی، فرزند الداد، با وکالت بعدی آقای سیدحسین شجاع رضوی، به طرفیت آقای علی باورصاد، به خواسته مطالبه مبلغ سیصد و پنجاه میلیون ریال به عنوان باقیمانده ثمن از بابت آپارتمان موضوع قرارداد پیش فروش به شماره سریال ۰۰۷۷۳ به انضمام خسارات دادرسی. بدین توضیح که در تشریح خواسته خواهان اجمالاً چنین بیان شده که خواهان به موجب قرارداد مذکور یک واحد آپارتمان موضوع قرارداد مذکور یعنی طبقه ۴ واحد عقب احداثی در پلاک ثبتی ۶۱۰/۲۷۲۶ واقع در بخش ۲ اهواز را به صورت پیش‌فروش به خوانده فروخته است که طبق قرارداد مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از ثمن را خوانده می‌بایست در هنگام تحویل آپارتمان پرداخت می‌نمود ولی مشارالیه آپارتمان مذکور را به شخص دیگری واگذار نمود و آپارتمان هم‌اکنون تحویل وی می‌باشد ولی مشارالیه تاکنون اقدامی جهت پرداخت مبلغ مذکور نکرده است خوانده با وجود دعوی از طریق روزنامه کثیرالانتشار (بر مبنای ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی) در جلسه دادرسی حضور نیافته و لایحه‌ای نیز ارسال ننمود. النهایه دادگاه با بررسی محتویات پرونده صرفنظر از اینکه بر مبنای کپی قرارداد مورد استناد خواهان که کپی آن در صفحه ۳ پرونده موجود می‌باشد، قرارداد مذکور با علامت (×) و همچنین درج عبارت «باطل شد» باطل شده و بر مبنای ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی، قرارداد مذکور نمی‌تواند مبنای مطالبه حق و ثمن موضوع قرارداد از جانب خواهان باشد با توجه به اینکه بر مبنای پاسخ استعلام واصله از اداره ثبت اسناد و املاک به شرح موجود در صفحه ۴۲ پرونده در طبقه ۴ پلاک ثبتی مندرج در (۲۷۲۶/۶۱۰) دو واحد آپارتمان وجود دارد که بر مبنای کپی صورتمجلس تفکیکی پلاک ثبتی مذکور موجود در صفحات ۳۶ و ۳۷ پرونده (بندهای ۸ و ۹ صورتمجلس مذکور) پلاک‌های ثبتی آنها ۲۷۲۶/۱۱۴۵۷ و ۲۷۲۶/۱۱۴۵۶ می‌باشد که بر مبنای پاسخ استعلام واصله از اداره ثبت اسناد و املاک به شرح موجود در صفحات ۴۴، ۴۲ و ۴۵ پرونده، مالکیت پلاک‌های ثبتی مذکور به نام شخص دیگری غیر از خواهان می‌باشد و از طرف دیگر هیچگونه دلیلی مبنی بر اذن و اجازه و نمایندگی خواهان اعم از وکالت با هرگونه نمایندگی دیگر برای پیش‌فروش ملکی که متعلق به شخص دیگری غیر از مشارالیه می‌باشد وجود ندارد و بنابراین علی‌الظاهر معامله موضوع قرارداد مذکور معامله‌ای فضول می‌باشد و بنابراین غیرنافذ می‌باشد و بنابراین هیچیک از آثار قرارداد مذکور از جمله الزام به پرداخت ثمن که از آثار عقد صحیح و نافذ می‌باشد، جاری و ساری نمی‌باشد تا زمانی که مالک قانونی پلاک ثبتی مذکور آن را تنفیذ نماید در حالی که اصل بر عدم یعنی عدم تنفیذ می‌باشد و دلیلی هم بر تنفیذ این معامله از جانب مالک پلاک ثبتی مذکور وجود ندارد، بنابراین با لحاظ مواد ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک و ۲۴۷ و ۳۴۹قانون مدنی و به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار عدم استماع دعوی خواهان را در موقعیت فعلی (تا قبل از تنفیذ معامله از جانب مالک قانون پلاک ثبتی و آپارتمان موضوع قرارداد) صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان می‌باشد.

فرهادوند- رئیس شعبه ۶ دادگاه حقوقی اهواز

نشانی: استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری، اول نیوساید، مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی)

احتراما با توجه به این که پرونده کلاسه ۹۵۰۹۱۸ د. انقلاب دادگستری شهرستان سمیرم دارای وقت رسیدگی ۱۳۹۶/۳/۱۷ ساعت ۹ صبح می‌باشد و در خصوص شکایت پلیس مواد مخدر به طرفیت متهم محمدمهدی رودکی ف محمدجواد دائر بر نگهداری موادمخدر سنتی از نوع تریاک به میزان یک گرم و پنجاه و سه سانت به علت مجهول‌المکان بودن متهم و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا متهم پس‌از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. بدیهی است عدم حضور شما مانع از رسیدگی نیست.

منشی دادگاه انقلاب دادگستری شهرستان سمیرم- یونس طاهری‌پور

اطلاعیه

به اطلاع می‌رساند پروانه تأسیس درمانگاه آبیاری (درمانگاه شماره ۲ بهداشت و درمان صنعت نفت فارس) به شماره ۳/۸/۱۱۴۸۳ تاریخ ۸۲/۵/۲۸ به آدرس شیراز: ابتدای خیابان آبیاری، جنب درمانگاه سروش، پلاک ثبتی شماره۴۲- فرعی از ۱۷۱۰ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

روابط عمومی بهداشت و درمان صنعت نفت فارس و هرمزگان

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی به خوانده مجهول‌المکان

بدینوسیله به آقای مهدی پژهان‌فر فرزند علی مجهول‌المکان، ابلاغ می‌شود که آقای امیر مهربان فرزند عبدالحمید دادخواستی به خواسته تنظیم سند یک دستگاه سواری بنز ۱۹۰ مدل ۱۹۸۴ به شماره پ ۳۴۳ج۵۵ ایران ۳۲ و کلیه خسارات دادرسی به مبلغ ده میلیون تومان و دیگر هزینه‌ها و خسارات دادرسی به طرفیت شما به شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف سبزوار ارائه و به کلاسه ۱۰/۹۶/۴۷ ثبت و برای تاریخ ۱۳۹۶/۳/۹ ساعت ۱۷/۳۰ وقت رسیدگی تعیین گردیده است. لذا به استناد ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار درج می‌گردد. شما می‌توانید قبل از رسیدگی به دبیرخانه شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار مستقر در مجتمع مرکزی مراجعه و با ارائه آدرس جدید خود نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر جهت رسیدگی در شورا حاضر شوید. در صورت عدم حضور غیاباً رسیدگی خواهد شد.

مسئول دفترخانه شعبه ۱۰ شورای حل اختلاف سبزوار

شماره مزایده: ۱۳۹۶۰۴۳۱۷